

گذری بر تاریخ مسجد بالاسر ، قدیمی ترین مسجد مشهد

همسایه روضه منوره



عکس: احمد حسینی اشهرآرا

سعادت‌مند- رنگیان | کاشی‌های لاجوردش قرن هاست دست‌های زیادی رابه آبی آسمان گره‌زده‌است؛ همسایه روضه‌منوره که عمری است در زلال بی کران حرم حل شده، آن چنان که بی هیچ حجاب و حایلی یکی از رواق هاودیوار هاست. روز جهانی مسجد سبب شد در سطرها ی پیش‌رواز مسجد بالاسر بگوئیم. مسجدی که هم‌زمان چند عنوان را در ضمیمه نامش نوشته‌اند؛ قدیمی ترین بنای مشهد پس از روضه منوره، کهن ترین مسجد مشهد و با ۳۶ مترمربع یکی از کوچک ترین مساجد ایران است.

مسجد بالاسر کجاست؟

مسجد بالاسر جایی میان روضه منوره و رواق دارالسیاده قرار دارد و یادگار دوره غزنویان است. تاریخ‌نگاران قدمتش را ۴۲۵ هجری قمری نوشته‌اند و به اعتبار همین قدمت معتقدند این مسجد، قدیمی ترین مسجدا رض اقدس و نخستین بنایی است که پس از روضه منوره سقف وستون گرفته است.

مسجد بالاسر در اسناد و مکتوبات

کهن ترین مکتوبی که در آن از مسجد بالاسر نام برده شده، کتاب «تاریخ بیهقی» است. بیهقی در جریان فوت ابوالحسن عراقی می نویسد: «...و به نوقان رفتم و تربت رضای ...عنه را زیارت کردم. گور عراقی را دیدم. در مسجد آنجا که مشهد است در طاقی پنج گز از زمین تا سقف و اورا زیارت کردم». یکی دیگر از منابعی که گزارشی از این بنا در آن دیده می شود، سفرنامه ابن بطوطه مغربی است که در نیمه اول سده هشتم نوشته شده است. ابن بطوطه می نویسد: «... مشهد امام رضا^(ع) به بزرگی (بسیار مورد احترام) دارد. قبر امام در داخل زاویه ای است که مدرسه و مسجدی در کنار آن وجود دارد».

منابع مختلف دوره قاجار نیز به مسجد بالاسر و کتیبه ها و تزیینات آن اشاره کرده اند که مهم ترین آن ها سفرنامه سیدالسلطنه و مطلع الشمس از اعتماد السلطنه است که به تفصیل مسجد بالاسر را توصیف کرده اند.

ویژگی های معماری

مسجد بالاسر

مسجد بالاسر به وسیله طاقی که در میان آن دو ستون به ابعاد ۸۰در یک متر قرار دارد، به زیر گنبد مطهر متصل می شود. کف بنا مانند بقیه حرم با سنگ های مرمر فرش شده است. ارتفاع سقف بنا تا کف مسجد بالاسر نیز حدود ۹ متر و سقف آن دارای دو نورگیر است. بقیه سقف به وسیله مقرنس های زیبای کاشی کاری تزیین و دیوارهایش با کاشی های معرق پوشانده شده است.

همچنین در ضلع جنوبی مسجد بالاسر، محرابی از کاشی معرق با سبک گره سازی وجود دارد که برپیکرش تاریخ ۱۳۶۳ هجری قمری و نام کاشی ساز و نقاش محراب را (محمدخان رضوان) حک کرده اند. کاشی کاری ازاره مسجد بالاسر نیز همانند ازاره حرم مطهر و در ادامه آن است.

مرمت و بازسازی ها

در مسجد بالاسر

شکل نخستین این مسجد ترکیبی از چوب و آجر است که در دوره های مختلف به فراخور بازسازی های صورت گرفته در آن تغییر می کند امامهم ترین تعمیرات آن در قرن چهاردهم، مرمت صورت گرفته در سال های ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۵ خورشیدی است که شکل ظاهری مسجد بالاسر حرم امام رضا^(ع) را به نحو چشمگیری تغییر می دهد. گویا در این مرمت که سقف چوبی مسجد را بایتن نوسازی کرده اند، به واسطه توسعه فضای روضه منوره از سمت غربی، دیوار بین مسجد و مزار مطهر امام^(ع) نیز که تردد زائران را در قسمت بالاسر مبارک، دشوار ساخته بوده، برداشته می شود و به جای آن، بین بقعه و مسجد بالاسر، سه درگاه ایجاد می کنند. این دیوار و راه باریک آن همان مکانی بوده است که زائران در گذشته وقت عبور از آن با صدای بلند بر هارون و مأمون لعن می فرستاده اند.

در چوبی مسجد بالاسر که پس از بازسازی حرم به موزه منتقل شده است

۲

بانی ساخت مسجد بالاسر

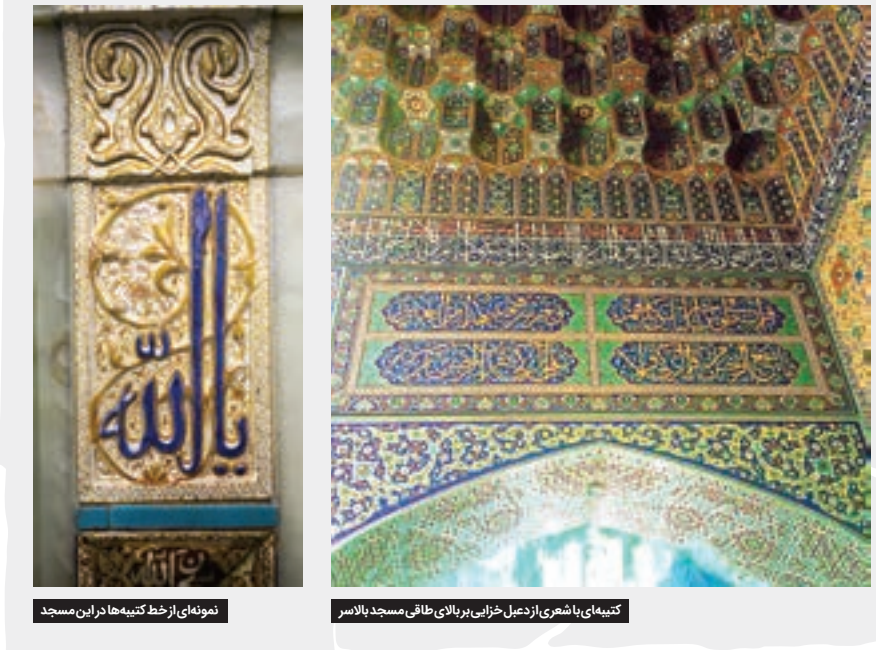
گویا در گذشته یعنی پیش از ایجاد حرم مطهر رضوی، زمینی که اکنون مسجد بالاسر نام دارد، بخشی از منزل حمید بن قحطبه، والی خراسان در زمان امام رضا^(ع) بوده است که در قرون اولیه هجری قمری تبدیل به مسجد شده و از آن مسجد فقط همین بخش کوچک باقی مانده است. روایت است که این مسجد نیز به دستور ابوالحسن عراقی، دبیر دیوان در دربار غزنویان، ساخته شده است.

درواقع با به قدرت رسیدن مسعود غزنوی، ابوالحسن در شهر یور سال ۴۱۵ خورشیدی، به عنوان حاکم هرات وارد این شهر می شود و دست به فعالیت های عمرانی گسترده در هرات و اطراف آن می زند. این فعالیت عمرانی شامل مشهد و حرم مطهر رضوی نیز می شود. مشهور است که او علاوه بر ساخت مسجد بالاسر در آن هنگام، کاریز و قنات مشهور ارض اقدس، یعنی قنات سناباد را که در آن دوران خشکیده بوده، جانی دوباره می بخشد تا زائر و مجاور از بی آبی نجات یابند. ابوالحسن حتی دستور می دهد کاروان سرایبی در کنار حرم مطهر بسازند که زائران حرم مطهر از آن استفاده کنند. او بعدها بنابر وصیتش در همین مسجد به خاک سپرده می شود. مورخان روز در گذشتهش را ششم شعبان سال ۴۲۹ هجری قمری، برابر با ۱۳۱ در بیهشت سال ۴۱۷ خورشیدی، یعنی ۹۸۴ سال پیش می دانند. بر اساس این تاریخ، عراقی نخستین شاعر دفن شده در حرم مطهر رضوی نیز به شمار می رود. ناگفته نماند برخی مورخان، ابوالحسن را از دبیران دربار آل بویه می دانند؛ خاندانی شیعه مذهب که بیش از صد سال بر ایران غربی و عراق عرب و عجم حکومت کردند و به احیاء گسترش سنت های شیعی، مانند عزاداری بر سالار شهیدان^(ع) و برگزاری عید سعید غدیر همت گماشتند.

۵

کتیبه های مسجد بالاسر

بالای ازاره این بنا، کتیبه ای با خط ثلث آبی روی زمینه سلیمی از کاشی زرین فام قرار دارد که معروف به کتیبه سلطان سنجری است. مضمون این کتیبه سوره مبارکه فتح است که دنیا له آن مسجد بالاسر را دور می زند. به داخل حرم می رود و در ضلع پیش روی مبارک تمام می شود. زیر کتیبه سنجری به جای این ازاره و کتیبه، کتیبه دیگری قرار دارد که در آن، سوره مبارکه واقعه آمده است. در بالای این کتیبه نیز کتیبه دیگری می بینیم به خط نستعلیق که آن را روی سنگ های مرمر حجاری کرده اند. روی این کتیبه، قصیده ای از قاسم رسا، ملک الشعرا ی آستان قدس، حک شده که مطلع آن این است: «بیا که مظهر آیات کبریا این نجاست ایبا که تربت سلطان دین رضا این نجاست، تعداد کتیبه های این مسجد در این ها خلاصه نمی شود و می توان چند کتیبه دیگر را که مضمون آن ها، آیات سوره های اسرا، توحید، حشر، فجر، زمر، حدید، کوثر، قدر و شعری از عیبل خزایی هستند، به تماشا نشست.



نمونه ای از خط کتیبه ها در این مسجد

کتیبه ای با شعری از عیبل خزایی بر بالای طاقی مسجد بالاسر

مسجد بالاسر در یک نگاه

مساحت:	قدمت:	بانی ساخت:
۳۶ متر مربع	۴۲۵ هجری قمری (۱۰۹۱-۱۱ سال)	ابوالحسن عراقی
موقوفات بنا: مسجد بالاسر موقوفه اختصاصی ندارد. تنها در برخی از وقف نامه های آستان قدس به روشنائی و فرش مسجد بالاسر به عنوان یکی از مصارف موقوفه اشاره شده است.		
کاربری: اکنون مسجد بالاسر نزدیک تر ین فضای متصل به روضه منوره است که زائران از آن برای نماز و زیارت استفاده می کنند.		



گذری بر تاریخ آرامگاه قاسم انوار در خراسان

شاهی میان دشت جام



در قدیم و پیش از آنکه کشاورزی مکانیزه در «دشت جام» رایج شود و چاه های عمیق آب، سفره های زیر زمینی را به سطح زمین آورند، دشت جام، و سرسبزی خود را مدیون «جامرود» بود که از نواحی و ارتفاعات شرق فریمان سرچشمه می گرفت و پس از سیراب های زراعتی دشت جام، در مشرق تربت جام به هرودی پیوست. آبادی های دشت جام در کناره های جامرود، به موازات جاده آسفالت ه فریمان تربت جام و در سمت شمال جاده فعلی قرار داشتند. بزرگ ترین آبادی یا شهر «خرگرد» در فاصله ۲۴ کیلومتری غرب تربت جام فعلی بود که تا اواخر عصر تیموریان پر رونق بود و قابلیت آن را داشت که شخصیتی چون عبدالرحمن جامی را در دامن خود پرورش دهد. در اوایل قرن نهم هجری قمری، عارف و متفکری به نام «سیدعلی بن نصر بن هارون بن ابوالقاسم الحسینی تبریزی» مشهور به «قاسمی» از بزرگان سادات سرخاب تبریز به خراسان آمد و چندی در نیشابور و هرات اقامت کرد. در هرات مریدانی بر او گرد آمدند و اطرافیان شاهرخ این امر را مغرضانه به شاهرخ گزارش دادند. شاهرخ با این باور که قاسم عنصر مطلوبی نیست، او را از هرات اخراج کرد. قاسم از هرات به بلخ، سمرقند و ترکستان رفت و در نهایت به جام آمد و در باغی مجاور خرگرد اقامت گزید. یاران قاسم انوار باغ را برایش خریدند و در باغ، خانقاهی برایش بر آوردند. او در آن خانقاه به تزکیه نفس پرداخت و در حالی که دوران کهولت را می گذرانید، به پایان بردن تالیفاتی چون «انیس العارفین» و «دیوان» اشعارش پرداخت و به کمال رسید و به «شاه قاسم انوار» ملقب شد تا اینکه در سال ۸۴۳ هجری قمری دعوت حق را لبیک گفت و در همان باغ در مجاورت خانقاهش به خاک سپرده شد.

چندی بعد در دوران سلطان حسین بایقرا، آخرین پادشاه تیموریان، به همت وزیر و ندیم فرهیخته و اندیشمندش، امیرعلیشیر نوایی، بنابه نوشته دولت شاه سمرقندی، «بنیاد عمارتی نهاد که گردون به هزاران چشم به زیبایی آن ندیده.»

- ویژگی های معماری آرامگاه قاسم انوار



مجموعه معماری آرامگاه شاه قاسم انوار در گستره ای مستطیل مانند، بر یک گنبد خانه صلیبی شکل مشتمل است که دو بازوی جنوبی و شرقی به ایوان های ورودی ارتباط دارند. بازوی غربی از طریق راهروی کوتاهی به بیرون راه دارد و بازوی شمالی به شکل ایوان عمیقی است که مدفن قاسم انوار را در بر گرفته و سقف آن با مقرنس های کم عمق زینت یافته است.

ورودی فعلی بنا از انتهای ایوان شرقی به درون راه می یابد و در دو طرف آن، ایوان دو فضای معماری است. فضای شمالی با پلان مربع احتمالاً خانقاه شاه قاسم بوده و فضای جنوبی با پلان مستطیل اتاقی است که از گوشه شمال غربی آن پلکانی به بهام ختم می شود و احتمالاً کاربری مطبخ داشته است.

ایوان جنوبی که بر اساس شواهد مسقف بوده و طاق جناقی بلندی داشته، در حال حاضر بدون سقف است. این ایوان بزرگ تر از ایوان شرقی و احتمالاً در گذشته ورودی اصلی از انتهای آن به درون راه داشته است، زیرا یکی از نفیس ترین پدیده ها که لوحه ای سنگی مکتوب به کتیبه ای طولانی به خط زیبای نستعلیق است بر پیشانی ورودی انتهای آن ایوان نصب بوده و بر اساس محتوای آن کتیبه شاه طهماسب صفوی حقوق دیوانی پرداختنی «کاولیان»، «لولیان» و «بیدقیان» و... را تخفیف داده است. آن کتیبه اکنون در موزه مردم شناسی جام واقع در رباط جام قرار دارد.

گنبد بنا نسبتاً کوتاه و دپوش پیوسته و از بیرون خیلی عیان نیست. پوشش داخلی گنبد از آجر و چند بخشی است که به کمک طویزه های گچی نازک اجرا شده و همچون سقف گنبد خانه آرامگاه ابا بکر تأییدی جنبه تزیینی به خود گرفته است. درون بنا نمایی دو اشکوبه دارد و غرفه هایی که بر دیوارها ایجاد شده است و با غلام گردش با هم در ارتباط اند بر صحن اشراف دارند. اگر چه دولت شاه سمرقندی بنا را روضه (بقعه) توصیف کرده، به دلیل وجود فضا های خاص مانند گنبد خانه و اتاق های شرقی و غرفه ها، «برنارد اوکین» بنا را خانقاه یا سکونتگاه صوفیان دانسته و نام کار کرده «لنگر» را بر ادعای خود شاهد آورده است. تردید نیست که بعد از اقامت و تدفین قاسم انوار جاذبه حضورش، بسیاری از مریدانش را در اطراف خانقاه و مدفنش گرد آورده و مرکز تجمعی به نام لنگر ایجاد کرده است. به گونه ای که لنگر

در دوران صفوی عرصه ای نسبتاً وسیع برخوردار از آب انباری بزرگ، رباطی در مجاورت آب انبار و برج اجری قطور و بلندی در مجاورت آرامگاه شاه قاسم انوار بوده و همانند شهری اعتبار داشته است. گویا در عصر شکوفایی لنگر سفالگری نیز در آنجا رواج داشته و نوعی قاب یا بشقاب های بزرگ زیبای سفالی معروف به «لنگری» به آن شهر منسوب بوده است. آرامگاه قاسم انوار در شانزدهم اردیبهشت ۱۳۵۴ به شماره ۱۰۶۱ در فهرست آثار ملی ثبت شده است.

منبع:

کتاب مساجد تاریخی ایران از امیر محمدزاده هروی، تاریخ مشهد و مشهد در قرن چهارده از سید مهدی سیدی و پژوهش کتر جواد نوابیان رودری

پاسپاس از:

شیما سیدی، کاظم جهانگیری کلاته و محمد مهدی مرتضوی فر در مرکز اسناد آستان قدس رضوی